

در جوار سنگسر

علی اشرف صادقی

فرهنگ انگلیسی به سنگسری (ص ۴۷۴ - ۴۰۹) و پس از آن فرهنگ موضوعی لغات (۵۷۰-۴۷۷) و سرانجام ۳۷ صفحه شامل ضرب‌المثلها واصطلاحات آمده است.

به‌طوری که فهرست اجمالی بالا نشان می‌دهد، این کتاب با کتابهایی که تاکنون درباره لهجه‌های ایرانی نوشته شده فرق بسیار دارد. بحث مفصل از قسمتهای اساسی کتاب که در زیر می‌آید این فرق را بیشتر نمایان می‌سازد.

قسمت عمده کتاب بخش لغات آن است. روشهای خاصی که در تدوین آنها به‌کار رفته و وسعت کار، چنین ایجاب می‌کرده که مؤلفان برای تهیه و ترتیب فرهنگها از حسابگرهای الکترونی استفاده کنند (و این - تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد - نخستین بار است که برای تدوین یک لهجه ایرانی از حسابگرهای الکترونی استفاده می‌شود).

اما تنها قسمت جالب کتاب بخش فرهنگها نیست. مقدمه‌ای که پروفیسور ویندفور در خصوص دستور سنگسری افزوده نیز بسیار اهمیت دارد. این بخش اصول دستور کسونی سنگسری را همراه با مطالبی تاریخی درباره این لهجه شامل است. مؤلف که با زبان‌شناسی نوین خاصه با مکتب زبان‌شناسی

تأویلی-تولیدی (transformational-generative) چومسکی آشنایی کامل دارد کوشش کرده است که با استفاده از روشهای این مکتب قواعد این لهجه را تدوین کند و این کوشش اگر نه همه جا، لاقلاً در بسیاری از قسمتهای این کتاب به‌چشم می‌خورد. اما مؤلف در اکثر موارد آگاهانه از استعمال

فرمولها و اصطلاحات فنی این مکتب می‌پرهیزد تا خوانندگان غیر متخصص نیز بتوانند از کتاب استفاده کنند. هرچند این کوشش وی قابل تقدیر است ولی به‌رحال خواننده غیر متخصص بسیار مشکل بتواند از این کتاب استفاده کند و اصولاً کسی که با لهجه‌شناسی و کتابهای آن - آنها هم بزبانی غیر از فارسی - سرو کار دارد نمی‌تواند غیر متخصص باشد. بنابراین قید مؤلف که «کوشش شده تا از استعمال کلمات فنی خودداری شود» (ص ۶۵) نوعی تناقض است.

این قسمت با واج‌شناسی (فونولوژی) سنگسری آغاز می‌شود و در همان صفحه اول (ص ۳۳) جدول صامتهای زبان به‌نست داده می‌شود. این جدول اصولاً مطابق با صامتهای فارسی است به‌استثنای همزه (صامت چاکنایی) که در این لهجه اصلاً وجود ندارد. بلافاصله در این بخش یک بحث

از میان لهجه‌های ایرانی، سنگسری از لهجه‌های بسیار خوشبخت است. زیرا در مقابل لهجه‌های متعددی که درباره آنها حتی یک سطر نیز نوشته نشده، بعد از کتاب ژوکوفسکی مستشرق روسی و کتاب کریستن سن و «فرهنگ سمنانی - سرخه‌ای - لاسگردی - سنگسری - شهیرزادی» منوچهر ستوده (از انتشارات دانشگاه تهران) که هر کدام حاوی اطلاعات مفیدی درباره این لهجه است، امروز با کتاب دیگری روبرو هستیم که تحقیق و بررسی این لهجه را به مرحله نوین و بسیار پیشرفته‌ای رسانده است. این کتاب با همکاری چراغعلی اعظمی که خود اهل سنگسر است و گرنات ویندفور آلمانی معلم دانشگاه ان آرپور میشیگان تهیه شده و دارای ۸۳۰ صفحه به‌قطع بزرگ است.

کتاب دارای یک مقدمه (صفحات ۳۲-۱) و اصول مختصری درباره دستور این لهجه (ص ۱۲۶-۳۳) و دو ضمیمه، یکی درباره ساختمان صرفی-واجی (مرفوفونولوژی) و دیگری (ص ۱۴۴-۱۲۷) و دیگر در خصوص ماده افعال و پیشوندهای فعلی (ص ۱۴۵-۸۳) است که خود

مشمول بر فهرستی از افعال سنگسری است که صفحات ۸۴۹ تا ۱۸۳ کتاب را دربر گرفته است. پس از این، فهرستی از آثاری که تاکنون راجع به لهجه سنگسر نوشته شده (ص ۸-۱۸۴) و سپس فهرست مآخذ کتاب (۹۱-۱۸۹) آمده. در ص ۱۹۶ فهرستی از علائم اختصاری که در بخش دستور کتاب مورد استفاده قرار گرفته به‌دست داده شده و بعد چهار نقشه (ص ۲۰۰-۱۹۷) یکی راجع به موقعیت جغرافیایی سنگسر است و سه‌تای دیگر در خصوص خط مرزهای زبانی (isoglosse) بعضی خصوصیات زبانهای ایرانی که در سنگسری به‌صورت اصلی یا تحول یافته باقی مانده‌اند.

بعد از این قسمت واژه‌نامه‌ها شروع می‌شود و در مقدمه آن راهنمای استفاده از فرهنگ و روشی که در ترتیب و تنظیم آن به‌کار رفته و اختصارات مربوط به بخش سنگسری و فارسی و انگلیسی و آنگاه یادداشتها و توضیحاتی راجع به بعضی لغات مندرج در فرهنگ آمده و بالاخره پنج نمودار یا جدول درباره پیمانه کردن شیر و شیردوشی و انواع لبنیات و اوقات شبانه‌روز و سال و گاه‌شماری آمده است. سپس فرهنگ سنگسری به انگلیسی و فارسی (ص ۳۴۳-۱) و بعد فرهنگ فارسی به سنگسری (ص ۴۰۵-۳۴۷) و بعد از آن

تاریخی لهجه‌شناسی راجع به تحولات صوتی از ایرانی باستان به سنگری آمده که ده صفحه از کتاب را گرفته است. گروه‌های fr, thr ایرانی باستان در این لهجه به h(a)r و sh تبدیل شده است که صورتهای با sh در خوارزمی نیز دیده می‌شود. پیشوندهای hā(r) و hu(r) نیز براساس این تبدیل از «فرو» و «فرا» (ص ۳۵) بیرون آمده است. البته باید گفت که این تبدیل منحصر به این لهجه نیست و در بسیاری از نقاط دیگر خاصه در کناره‌های دریای خزر (به‌استثنای گیلکی) و در لهجه‌های تالشی و لهجه‌های مرکز ایران و جز آن نیز دیده می‌شود. بعلاوه پسوندهای «ها» و «هو» در کتاب «المدخلی علم احکام النجوم» ابونصر قمی که در قرن چهارم نوشته شده نیز دیده می‌شود. بعد از صامت‌ها بحث مصوت‌ها شروع می‌شود و جدولی از آنها در ص ۴۵ داده شده که به‌استثنای دو مصوت میانی u و æ که تقریباً شبیه مصوت‌های ü و ē در ترکی و در فرانسه است. سایر مصوت‌ها نظیر مصوت‌های فارسی است. برای تعیین هویت مصوت‌ها جدولی از جفت‌های کمینه (minimal pairs) داده شده که البته در مورد صامت‌ها هم چنین چیزی لازم بود داده شود. در بخش مصوت‌ها نیز مطالب تاریخی با مطالب همزمانی یا ایستا که مربوط به صورت کنونی لهجه است درهم آمیخته و اصولاً این نقصی است که در این کتاب فراوان به چشم می‌خورد. مؤلف می‌توانست کلیه مطالب تاریخی و تحولی این لهجه را در یک ضمیمه بیاورد و قسمت دستور را منحصرأ به توصیف صورت امروزی لهجه اختصاص دهد. این کار فایده دیگری نیز در برداشت و آن اینکه از آوا نوئیهای چندگانه جلوگیری می‌کرد. توضیح این مطلب اینکه موقعی که صحبت از صورت کنونی لهجه است برای واجی که معادل «آ» فارسی است علامت aw به کار رفته، اما وقتی صحبت از صورت گذشته آن است علامت ā استعمال شده که البته استعمال هردوی آنها محل اشکال است، زیرا کاربرد aw برای «آ» ممکن است باعث سوءتعبیر شود و استعمال ā برای صورت قدیم آن که مصوتی بلند بوده است و باید به جای آن ā به کار برده شود نیز درست نیست. البته استعمال aw ظاهراً به دلایل فنی بوده چون در ماشینهای تحریر معمولی حروف محدود است، اما استعمال ā خصوصاً که علامت روی آن همه‌جا بامست اضافه شده محملی ندارد؛ در متن فرهنگ نیز برای aw علامت خاص دیگری که از حروف لاتین نیست به کار رفته، کما اینکه برای sh («ش») علامت دلار \$ و برای zh («ژ») علامت % استعمال شده است.

در این قسمت بعضی جزئیات دیگر نیز دیده می‌شود که محل تأمل و بحث است. مثلاً تبدیل asp «اسب» به asm و naqb «نقب» به naqm میان بسیاری از لهجه‌های ایرانی و گویشها و گونه‌ها مشترک است. صورت نقب در «سنگ‌عیار» به کرات استعمال شده است. یا اینکه گفته شده صامت‌های دندانی بعد از مصوت به y بدل شده، در صورتی که در بعضی مثالهای مذکور در صفحات ۴۰-۳۹ اصلاً y وجود ندارد. اشتقاقی که در ص ۳۸ برای کلمه gotgota داده شده، مشتق از vxvt بعید به نظر می‌رسد ماخوذ دانستن kucak - kucik از

فارسی kucek درست نیست، زیرا در فارسی هر سه صورت وجود دارد و غیره. در ص ۵۸-۹۰ مشدد شدن صامت‌های اسنادی بیواک به قبل از تکیه منحصر دانسته شده، در صورتی که ظاهراً مربوط به واقع شدن آنها بین دو مصوت است. فعالی که صامت آغازی آنها مشدد است نیز این مطلب را نشان می‌دهد، زیرا این تشدید موقعی پیش می‌آید که پیشوندی قبل از آنها بیاید. در فارسی نیز چنین مواردی وجود دارد: بیر، بیا (از فعلهای «پریدن» و «باییدن»).

نکته دیگر اینکه بعضی علامتها نیز در این فصل آمده که توضیحی راجع به آنها داده نشده و معلوم نیست مراد از آنها چیست. مثلاً علامت ۵ چندبار در ص ۵۷ آمده و ظاهراً منظور از آن مصوت خنثی میانی است.

آمیختن مطالب تاریخی و همزمانی بعضی اشتباهات دیگر را نیز باعث گردیده است. مثلاً در ص ۵۶ گفته شده که کلمات baerin و baerizh قلب شده و به rbin و rbizh بدل شده و بعد مصوت æ میان آنها گنجدیده است. این نکته يك مطلب تاریخی است و قلب مربوط به زمانی است که گروه صامت آغازی در این لهجه وجود داشته و کلمات فوق به صورت brin و brizh تلفظ می‌شده و بعد قلب شده و مصوت واسطه بعداً میان دو صامت اول آنها گنجدیده است.

این قسمت کتاب رویهمرفته مختصر است و به بعضی مطالب اصلاً اشاره‌ای نشده است. مثلاً خواننده خود باید نتیجه بگیرد که امروز دیگر گروه صامت آغازی در این لهجه وجود ندارد.

در ص ۶۰ راجع به تکیه کلمات نیز توقع بود که بحث کاملتری می‌شد و مشخص می‌شد که الگوی تکیه کلمات مختلف (اسم، فعل...) در این لهجه چگونه است.

بخش صرف و نحو کتاب از ص ۶۳ شروع می‌شود. ابتدا گروه اسمی و اسم و حالات آن و جمع و معرفه و نکره و عدد و بعد ضمائر شخصی و سایر ضمائر به اختصار شرح داده شده است. آنگاه صفت مورد بحث قرار گرفته (ص ۸۴) و پس از آن تفضیل و صفت تفضیلی (ص ۸۵). همه این قسمتها دقیق و به شیوه توصیفی است. در ص ۸۷ و بعد حالات و قیود و اضافه و جمله‌های قیدی و ربطی بررسی شده است. نکته جالب در این لهجه مقدم قرار گرفتن جمله ربطی بر اسم است: aenvisaendi kawqae «کاغذی که نوشتم» (ص ۹۸).

از ص ۱۰۳ مبحث فعل شروع می‌شود. این مبحث شاید جالبترین و دقیقترین بخش کتاب باشد و ظاهراً صورت تکمیل شده رساله دکتری ویندفور در دانشگاه هامبورگ است (عنوان این رساله که در ۱۹۶۵ تهیه شده در ص ۱۸۷ فهرست مآخذ آمده است). در این بخش نمود فعل (aspect) و وجه وزمان آن به طور دقیق مورد بحث قرار گرفته است. مؤلف وجه وزمان فعل را به قریب (near) و بعید (far) و ابعد (remote) تقسیم کرده است (ص ۱۰۴-۵). در مورد وجه منظور از این تقسیم‌بندی درجات احتمال وقوع فعل است. نمودهای فعل سنگری عبارت است از نمود کامل (perfective) و نمود غیر کامل (imperfective) و نمود نتیجه (resultative). هر يك از این سه نمود به اضافه وجه التزامی دارای سه امکان قریب و بعید و ابعد است که مجموعاً دوازده صورت ایجاد می‌کند که جدول آنها، با تطبیق بر

فعل *ner* «نشستن» در ص ۱۰۷ آمده است. شکل اِزْامی یا سببی فعل (*causative*) و جهت میانه (*middle voice*) که نقطه مقابل آن است و جهت‌های معلوم و مجهول و فعلهای معین و جز آن نیز مورد بررسی قرار گرفته است. این بحث در ص ۱۲۶ خاتمه می‌یابد و بعد از آن ضمیمه اول راجع به ساختمان فعل شروع می‌شود. در اینجا نیز مقداری مطالب تاریخی راجع به ماده افعال آمده و تحول آنها از ماده‌های قدیم به دست داده شده است. در این لهجه نیز مانند فارسی ماده ماضی و مضارع اغلب باهم تفاوت اساسی دارد. در ص ۱۳۹ جدولی از پیشوندهای غیر بارور آمده که البته اگر بحث منحصر به سنگسری امروز بود این جدول مورد نداشت، چه واضح است که مثلاً پیشوند *buo* در *buorizh* «گریختن» امروز اصلاً برای سنگسری‌ها دیگر پیشوند محسوب نمی‌شود و با ماده فعل مجموعاً ماده واحدی را تشکیل می‌دهد و تنها با مقایسه با زبانهای میانه و قدیم است که چنین تجزیه‌ای امکان‌پذیر می‌شود. ضمیمه دوم راجع به ماده افعال و پیشوندهای فعلی است و به دنبال آن فهرستی از افعال آمده است. در مقدمه این ضمیمه مطالبی راجع به نحوه وارد کردن این افعال در فرهنگ لغات آمده است. اما بخش لغات در اصل کار چراغعلی اعظمی بوده که از سال ۱۳۳۳ به بعد به جمع‌آوری واژه‌های لهجه مادری خود پرداخته (رک. ص ۲۷) و مجموع آنها در حدود ۷۰۰۰ کلمه می‌شده. شرح نسخه خطی این لغات و طبقه‌بندی آنها توسط اعظمی، در صفحات ۳۲-۲۷ کتاب درج است. اما صورت فعلی لغات و ترتیب آنها به دست ویندفور صورت گرفته است. ترجمه لغات به انگلیسی و تحلیل دستوری آنها از ویندفور و ترجمه فارسی آنها از اعظمی است (ص ۳۶). برای ترجمه فارسی لغات از فرهنگهای حییم و یونکر و نفیسی و فرهنگ جمالزاده و فرهنگ پیشه‌های ولف به عنوان فرهنگهای استاندارد استفاده شده، اما «لغتنامه» دهخدا و «فرهنگ معین» مورد استفاده قرار نگرفته‌اند! لغات فرهنگ عبارت است از واژگان فعال خانواده اعظمی و اصولاً مربوط است به موضوعات مختلف چون کشاورزی و دامداری و خانه‌داری و بافندگی و نام حیوانات

و موضوعات مربوط به آنها و اسمهای مکانها و تقسیم‌بندی اوقات روز و سال و ضرب‌المثلها و غیره. لغات قرضی فارسی نیز با به پای لغات سنگسری به رشته ضبط درآمده‌اند. به منظور سهولت یافتن لغات مربوط به رشته‌های مختلف، ترتیب فرهنگ موضوعی اهمیت اساسی داشته است، چه در این مورد از فرهنگ الفبایی، آنهم برای زبانهای بیگانه، کاری ساخته نیست. علت وجودی فرهنگ انگلیسی به سنگسری نیز معلوم است، اما وجود فرهنگ فارسی به سنگسری را در این کتاب به زحمت می‌توان توجیه کرد. زیرا از این کتاب غیر از متخصصان، دیگران نمی‌توانند استفاده بکنند و متخصصان هم اغلب به انگلیسی آشنایی دارند، مخصوصاً که لغات فارسی آن به خط لاتینی است و یک فارسی زبان عادی و غیرزبان‌شناس که مقدمه کتاب و توضیحات مربوط به فرهنگ لغات را دقیقاً نخوانده باشد از این کتاب استفاده نخواهد کرد.

این کتاب رویه‌مرفته از کتب بسیار خوبی است که راجع به یکی از لهجه‌های ایران نوشته شده. کتبی که ایرانیان تاکنون نوشته‌اند بیشتر واژه‌نامه بوده و آنهایی که غریبان تألیف کرده‌اند عموماً دارای مباحث مربوط به صوت‌شناسی (و ندرتاً واج‌شناسی) و دستور (تاریخی یا توصیفی) بوده و قسمت واژگان آن مختصر بوده است. این کتاب که با همکاری یک ایرانی و یک اروپایی تهیه شده از کتابهای نادری است که هر دو جنبه در آن به خوبی و با دقت رعایت شده، هرچند قسمت دستوری آن نسبتاً مختصر است. جای آن دارد که از این پس کسانی که در ایران می‌خواهند به جمع‌آوری لهجه‌ها دست بزنند این کتاب را به دقت مطالعه کنند و از آن سرمشق بگیرند.

1) منظور کتاب *Contributions à la dialectologie iranienne* است که صفحات ۱۴۱-۹۱ جلد دوم آن به لهجه سنگسری اختصاص دارد.
 2) G. Lazard, *La langue des plus anciens monuments de la prose persane.*

مطالعات تاریخی
 پرتال جامع علوم انسانی

